



## Women's Financial and Economic Rights in Jurisprudence and Law With an Emphasis on Ownership

Ameneh Mazlounzadeh <sup>1</sup>

1 .PhD in Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

### ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages:35-50

Article history:

Received: 04 May 2023

Edition: 14 Jul 2023

Accepted: 06 Agu 2023

Published online: 23 Mar 2024

### Keywords:

Women's rights; financial rights; economic rights; Deprivation of the right; transfer of right.

### Corresponding Author:

Ameneh Mazlounzadeh

### Address:

Iran, Tehran, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Department of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law.

### Orchid Code:

0000-0001-9856-0134

### Tel:

09120797029

### Email:

shahidjalal1363@gmail.com

### ABSTRACT

**Background and Aim:** In order to guarantee the position of women in society and family, various financial rights have been identified for women, and the purpose of this research is to recognize and explain the effects of these rights.

**Materials and Methods:** This research is of theoretical type and the research method is descriptive-analytical and the method of data collection is library and has been done by referring to documents, books and articles.

**Ethical Considerations:** In order to organize this research, while observing the authenticity of the texts, honesty and fidelity have been observed.

**Results:** A woman enjoys different financial rights due to the different positions she finds in relationships with others; Due to the aforementioned diversity and differences in the works, it is very difficult to present a classification for women's financial and economic rights. The classification of rights is very important in order to interpret rights and determine their territory, as well as solve issues related to conflict, conflict, silence, and summaries of laws and regulations.

**Conclusion:** The research results show that, considering the fact that the Islamic system was faced with many customs of the Arab society at the beginning of its emergence, which it was not possible to discard them. One of the available solutions was to adjust the aforementioned customs by forging new titles and adding examples of women's financial and economic rights. The model designed for women's financial and economic rights system in Imami jurisprudence and Iran's legal system is based on the protective model.

### Cite this article as:

Mazlounzadeh A, *Women's Financial and Economic Rights in Jurisprudence and Law With an Emphasis on Ownership* . Economic Jurisprudence Studies. 2024.



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره ششم، شماره اول، بهار ۱۴۰۳

### حقوق مالی و اقتصادی زنان در فقه و حقوق با تأکید بر مالکیت

آمنه مظلوم زاده، \*

۱. دکترای فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

#### چکیده

**زمینه و هدف:** در جهت تضمین جایگاه زن در جامعه و خانواده، حقوق مالی متنوعی برای زن مورد شناسایی قرار گرفته است که هدف از پژوهش حاضر نیز شناخت و تبیین آثار حقوق مزبور می‌باشد.

**مواد و روش‌ها:** این تحقیق از نوع نظری بوده و روش آن به صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد و ابزار جمع‌آوری اطلاعات نیز بصورت کتابخانه‌ای است.

**یافته‌ها:** زن به واسطه جایگاه مختلفی که در مناسبات با دیگران پیدا می‌کند از حقوق مالی متفاوتی متمتع می‌گردد؛ به واسطه تنوع مزبور و تفاوت در آثار، ارائه طبقه‌بندی برای حقوق مالی و اقتصادی زن بسیار دشوار می‌باشد. طبقه‌بندی حقوق از جهت تفسیر حقوق و تعیین قلمرو آن‌ها و همچنین حل موضوعات راجع به تعارض، تراحم، سکوت و اجمال قوانین و مقررات از اهمیت بسزایی برخوردار است. **ملاحظات اخلاقی:** در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

**نتیجه:** نتایج پژوهش نشان می‌دهد که با توجه به این‌که نظام اسلام در بدو ظهور با عرف‌های متعددی از جامعه عرب جاهلیت مواجه بود که کنار زدن دفعی آن‌ها امکان‌پذیر نبود، یکی از راهکارهای در دسترس، تعدیل عرف‌های مزبور از طریق جعل عناوین جدید و اضافه نمودن مصادیق حقوق مالی و اقتصادی زنان بود. الگوی طراحی شده برای نظام حقوق مالی و اقتصادی زن در فقه امامیه و نظام حقوقی ایران بر پایه الگوی حمایتی می‌باشد.

#### اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۳۵-۵۰

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۴

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۴/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۱۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۱/۰۴

#### واژگان کلیدی:

حقوق زنان؛ حقوق مالی؛ حقوق اقتصادی؛ اسقاط حق؛ انتقال حق

#### نویسنده مسئول:

آمنه مظلوم زاده

#### آدرس پستی:

ایران، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی

#### تلفن:

09120797029

#### کد ارکید:

0000-0001-9856-0134

#### پست الکترونیک:

shahidjalal1363@gmail.com

## ۱. مقدمه

زوجه در طول زندگی مشترک در ایران و فرانسه» اشاره کنیم. این مقاله به این نتیجه می‌رسد که با توجه به قوانین موجود و تغییرات و تحولاتی که رخ داده و تنوع سبک زندگی، حقوق مالی زوجه در خانواده مانند اجرت‌المثل و نفقه و همچنین مهریه امروزه موجب ایجاد روابط عادلانه اقتصادی میان زوجین نمی‌شود. لذا هرچند وضع چنین قوانینی در چهارده قرن پیش گامی مؤثر و بزرگ برای احقاق حقوق مالی زوجه بوده ولی در اوضاع و احوال عرفی و فرهنگی جامعه کنونی نحوه اجرای این قوانین به گونه‌ای است که نمی‌تواند مشکلات مالی زوجه را حل کند و در عالم واقعی ضمانت اجرای آن را انصاف و عدالت زوج تعیین می‌کند. با توجه به راهکارهایی که در فرانسه و برخی کشورهای دیگر در روی آوردن به انعقاد قراردادهای توافقی قبل از ازدواج وجود دارد. مقاله عباسی و رضانی تحت عنوان «حقوق مالی زن در نظام حقوقی ایران و همخوانی آن با اسناد بین‌المللی» نیز جالب توجه است. از نظر نویسندگان، نابرابری میان حقوق مالی زن و مرد از میان رفته است اما این موضوع همچنان در نظام حقوق داخلی ایران وجود دارد. مع‌الوصف، اغلب پژوهش‌های موجود با محوریت حقوق مالی زوجه با تأکید بر نفقه و مهریه صورت گرفته است؛ اما تمرکز پژوهش حاضر بر کلیه مصادیق حقوق مالی و اقتصادی زن با در نظر گرفتن جایگاه وی می‌باشد که نوآوری پژوهش حاضر نیز همین امر است.

قوانین و مقررات در واقع ابزارهای تنظیم کننده روابط میان تابعان حقوق هستند. متغیرهای مختلفی وجود دارند که هر کدام به نوبه خود روابط را پیچیده می‌کنند. پیشرفت علم و صنعت یکی از متغیرهای مزبور است. از ابتدای شکل‌گیری جوامع بشری، یکی از موضوعات مهم تعیین قلمرو دارایی و احترام به آن توسط دیگران می‌باشد. در هر نظام حقوقی یکی از اهداف ابتدایی و اصلی، تضمین و حفظ افراد انسانی می‌باشد. در این میان نیز حقوق مالی و اقتصادی افراد یکی از موضوعات بسیار مهمی می‌باشد که از وجود اصول و قواعد مبنایی مانند قاعده احترام به جان و مال، قاعده احترام به مالکیت، قاعده تسلیط و ... ناشی می‌شود. زن در هر جامعه‌ای دارای عناوین متعددی از جایگاه اعم از همسر، مادر، خواهر و دختر در نزد دیگران است. همین جایگاه‌های مختلف برای او حقوق مالی مختلفی ایجاد می‌کند. با گذشت زمان مصادیق جدید از اموال وارد مانند ارزهای دیجیتال و ... پا به عرصه روابط تابعان حقوق نهادند. با وجود این مسئله، لازم است که مقررات حاکم بر حقوق اموال و مالکیت نیز شفاف‌سازی شوند تا ضمن پیشگیری از وقوع اختلافات، در صورت ایجاد اختلاف نیز مراجع حل و فصل اختلافات با چالش مقررات مبهم و مجمل مواجه نباشند؛ که این امر در واقع اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر محسوب می‌شود. پرسشی که این پژوهش به دنبال پاسخ به آن می‌باشد این است که زن در چهارچوب نظام حقوقی ایران و فقه از چه حقوق مالی و اقتصادی متمتع می‌گردد و آثار حقوق مزبور چگونه خواهد بود؟

در ارتباط با پیشینه پژوهش حاضر می‌توانیم به مقاله فتاحی و پروینیان تحت عنوان «حقوق مالی

## ۲. ملاحظات اخلاقی

در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

## ۳. مواد و روش‌ها

این تحقیق از نوع نظری بوده و روش آن به صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد و ابزار جمع‌آوری اطلاعات نیز بصورت کتابخانه‌ای است.

## ۴. یافته‌های تحقیق

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که، زن به واسطه جایگاه مختلفی که در مناسبات با دیگران پیدا می‌کند از حقوق مالی متفاوتی متمتع می‌گردد؛ به واسطه تنوع مزبور و تفاوت در آثار، ارائه طبقه‌بندی برای حقوق مالی و اقتصادی زن بسیار دشوار می‌باشد. طبقه‌بندی حقوق از جهت تفسیر حقوق و تعیین قلمرو آنها و همچنین حل موضوعات راجع به تعارض، تزامم، سکوت و اجمال قوانین و مقررات از اهمیت بسزایی برخوردار است.

## ۵. بحث

در این قسمت مبانی نظری پژوهش مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

### ۵-۱. مفهوم حقوق مالی اقتصادی

حق مالی در اصطلاح حقوقی، حقی است که برای صاحب آن حق، نفعی ایجاد کند که آن را بتوان مانند حق دین به پول تقویم نمود. (امامی، ۱۳۹۰، الف، ۱۶۲) البته باید توجه نمود که حق مالی اعم از حقوق عینی و دینی است. (نعمت‌اللهی، ۱۳۸۹، ۱۱۲) دکتر کاتوزیان این حق را نوعی امتیاز مالی دانسته‌اند که قوانین هر کشور به جهت تأمین نیازهای مادی اشخاص به آنها اختصاص داده است. هدف از ایجاد چنین حقی تنظیم روابطی است که از لحاظ استفاده از اشیاء میان اشخاص

موجود است. حقوق مالی قابلیت مبادله داشته و می‌تواند به پول تقویم شود. برای مثال می‌توان به حق مالکیت، حق انتفاع و حق مطالبه مبلغی پول با انجام دادن کاری معین اشاره نمود. (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ۲۵۸)

دکتر لنگرودی حق مالی را اینطور تعریف نموده‌اند که این حق باید متعلق به آن مال باشد، می‌تواند عین باشد یا دین، منفعت باشد یا مانند حق تحجیر، حق. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۷، ۲۲۶) در حالت کلی باید گفت دو شاخصه و ویژگی در حق مالی باید وجود داشته باشد؛ نخست ایجاد نفع برای صاحب آن و دوم قابلیت تقویم به پول. (سلطانیه، فهیمی، ۱۴۰۱، ۱۷۵-۱۷۴)

در مقابل حق مالی، حق غیر مالی قرار دارد. هدف از حقوق غیر مالی مرتفع ساختن احتیاج‌های عاطفی و اخلاقی بوده و موضوع آن روابط غیر مالی اشخاص است. مانند حقوق زوجیت، ولایت و حضانت. هرچند این حقوق ارزش داد و ستد ندارند (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ۲۵۸) و به طور مستقیم نمی‌توان آن را ارزیابی و ارزش گذاری نمود (امامی، ۱۳۹۰، ب، ۴) اما بر بیشتر این حقوق آثار مالی بار می‌شود. بعضی از حقوق غیر مالی، مانند حق زوجیت، قابل زوال هستند. فسخ نکاح و طلاق می‌تواند حق زوجیت را با زوال رو به رو کند. برخی دیگر از حقوق غیر مالی مانند ابوت، ابدی هستند و قسمی دیگر از این حقوق نیز قابلیت اسقاط دارند، مانند حق خیار. (امامی، ۱۳۹۰، ب، ۴)

### ۵-۲. تعریف مالکیت

ملک و مالکیت را برخی از اهل لغت به آثار آن معنا کرده‌اند، شیخ انصاری نیز در تعریف مالکیت به معرفی آثار آن پرداخته‌اند و به تعبیری تعریف به اثر کرده‌اند. شیخ انصاری مالکیت را نسبتی میان مالک و مملوک (انصاری، ۱۳۶۶، ۷۹) قرار داده که

را واجدیت، داشتن و دارا بودن تعریف کرده‌اند. این معنا از استعمالات فصیح قابل دریافت است. (احمد زاده بزاز، ۱۳۷۹، ۱۲۶)

تعداد عناصر مالکیت را برخی سه، بعضی چهار و گروهی دیگر هفت شمرده‌اند. (السنه‌وری، بی‌تا، ۴۹۶)، (طلبه، ۱۹۹۳، ۵-۶)، (فرج، ۱۹۹۳، ۹۱-۸۳)، (الصدّه، بی‌تا، ۳۱-۲۷)، (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۳، ۸۹-۹۱) و (کی نیا، ۱۳۴۳، ۱۶۴-۱۶۰) مالکیت دارای سه عنصر می‌باشد: اول، حق استعمال که منظور از آن، این است که مالک می‌تواند از منافع ملک خود، شخصا استفاده کند مثلا اگر صاحب ملکی است در آن سکونت کند. دوم حق استثمار که در نزد حقوقدانان عرب، استغلال نامیده می‌شود (السنه‌وری، بی‌تا، ۴۹۶)، (فرج، ۱۹۹۳، ۸۴) و (الصدّه، بی‌تا، ۲۶) منظور از این حق، توانایی واگذاری منافع و ثمرات مال به دیگری است. که با توجه به حدیث لاضرر و ماده ۱۳۲ قانون مدنی محدود می‌گردد؛ و سوم حق تصرف که گروهی آن را اخراج از ملکیت نامیده‌اند. منظور از این حق، آن است که مالک می‌تواند هر گونه تصرف مادی یا اعتباری در ملک خود انجام دهد. تصرفات مادی مانند تلف و از بین بردن آن و تصرفات اعتباری مثل انتقال دادن آن به شخص دیگر. هر سه عنصر مذکور از قاعده سلطنت، حدیث نبوی و ماده ۳۰ قانون مدنی قابل اصطیاد هستند و به موجب ذیل همین ماده، به خلاف قانون نبودن، محدود شده‌اند. ماده ۳۰ قانون مدنی به دو عنصر حق تصرف و حق انتفاع اشاره می‌کند که به پیروی از فقه، در بردارنده همان سه عنصر است. چرا که حق انتفاع اعم از حق استعمال و حق استثمار است. (احمد زاده بزاز، ۱۳۷۹، ۱۲۶).

از یک حکم تکلیفی انتزاع می‌گردد. اما در جایی دیگر از عبارت سلطنت فعلیه (انصاری، ۱۳۶۶، ۳۶۸) برای تعریف مالکیت استفاده نموده است.

مالکیت در نزد محقق اصفهانی واجد بودن، داشتن و دارا بودن، تعریف شده (الجزائری المروج، ۱۴۱۶، ۱۱۵) و در مصباح الفقهه نیز احاطه و سلطنت تعریف شده است. (التوحیدی، ۱۳۷۱، ۴۴) برخی فقهای اهل سنت مانند زحیلی نیز از مالکیت به اختصاص یاد کرده‌اند. (الزحیلی، ۱۹۸۴، الف، ۵۶) و (الزحیلی، ۱۹۸۴، ب، ۴۸۹)

میان حقوقدانان نیز تعریف واحدی از مالکیت وجود ندارد. دکتر امامی آن را اینطور تعریف می‌کنند: رابطه‌ای میان شخص و چیز مادی که قانون آن را معتبر شناخته است. (امامی، ۱۳۷۳، ۱۹) دکتر صفایی این تعریف را با ذکر اینکه این رابطه به شخص مالک حق همه گونه تصرف و انتفاع را می‌دهد، درست و کامل می‌دانند. (صفایی، ۱۳۵۱، ۲۳۰) دکتر لنگرودی نیز به جهت مشکل بودن تعریف، تنها عناصر آن را شمرده‌اند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۳، ۹۱-۸۸)

مالکیت حق دائمی است و به موجب آن شخص توانایی این را دارد که در حدود قوانین، در مالی تصرف کند و به طریقی که می‌خواهد از تمامی منافع آن استفاده کند. قانون مدنی ایران مالکیت را تعریف نکرده است. (الجزائری المروج، ۱۴۱۶، ۱۱۵) مقنن در ماده ۳۵ قانون مدنی، تصرف به عنوان مالکیت را دلیل مالکیت معرفی نموده است، اما روشن است که در این نقطه قانون‌گذار در مقام بیان اماره قانونی است نمی‌توان این ماده را تعریف مالکیت دانست (کاتوزیان، ۱۳۵۱، ۱۶۲).

به طور کلی باید گفت در تعریف مالکیت در عالم فقه و حقوق، برخی به نام بردن آثار آن پرداخته‌اند و برخی دیگر با تفکیک مالکیت از آثار آن، مالکیت

### ۵-۳. مصادیق حقوق مالی و اقتصادی زنان

حقوق مالی زن در اسلام سه نوع مالکیت را در بر می‌گیرد. نخست مالکیت اصلی و بالذات، یعنی مالکیتی که زنان مانند مردان، به سبب اشتغال و کار مفید اقتصادی آن را دارا می‌شوند که تحت عنوان حق اکتساب، به طور صریح به آن اشاره می‌شود. دوم مالکیت‌های تبعی که به واسطه نسب و سبب به زنان تعلق می‌گیرد مانند ارث و دیه که در نفس مالکیت میان زن و مرد تفاوتی وجود ندارد، اما در میزان آنها تفاوت دیده می‌شود و سوم مالکیت حمایتی که مقنن آن را برای زنان جعل کرده است. (کاظمی، ۱۳۸۷، ۱) در ادامه نخست به موارد تحت عنوان مالکیت اصلی و بالذات و سپس به مالکیت‌های تبعی پرداخته خواهد شد.

### ۵-۳-۱. استقلال در تصرفات مالی

در نزد فقها این اصل تحت عنوان قاعده تسلیط بررسی شده است. منظور از این قاعده آن است که هر انسانی بر اموال متعلق به خود، تسلط دارد و به هر صورتی که بخواهد می‌تواند در آنها تصرف کند. اشخاص دیگر نیز نمی‌توانند مانع این کار شوند جز در مواردی که مالک از طرف شرع از تصرف در مال خود منع شده باشد. مهم‌ترین آیه مستند این اصل، آیه ۲۹ سوره نسا است. (کاظمی، ۱۳۸۷، ۲)

### ۵-۳-۲. سیستم استقلال مالی زوجین

آیه ۳۲ سوره نسا می‌فرماید که مردان از آنچه کسب می‌کنند و زنان را از آنچه به دست می‌آورند، بهره‌ای دارند. این آیه از کلمه اکتساب استفاده کرده است. اکتساب یعنی به دست آوردن اما فرقی که راغب اصفهانی میان معنای کسب و اکتساب متذکر می‌شود، بسیار قابل توجه است. او معتقد است کلمه اکتساب در به دست آوردن فایده‌ای استفاده می‌شود که انسان می‌خواهد خودش از آن استفاده

کند و به طور اختصاصی بهره ببرد اما کسب، هم آنچه را که خود می‌خواهد استفاده کند شامل می‌شود و هم آن چیزی که برای دیگران به دست می‌آورد. (الراغب الاصفهانی، ۱۴۰۴ه.ق، ۴۳۱)

از این رو در مورد آیه مذکور باید گفت زنان و مردان، هر چیزی را که به دست می‌آورند، چه به صورت اختیاری و کسب درآمد و چه غیراختیاری مانند ارث، مالک هستند و حق استفاده و بهره‌برداری را به طور مستقل خواهند داشت. بنابراین در منظر دین، زن از استقلال کامل اقتصادی برخوردار است. در ادامه مالکیت‌های تبعی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

### ۵-۳-۲. ارث

ارث در لغت ترکیه و اموالی است که از متوفی به جا می‌ماند و در اصطلاح حقوقی، انتقال مالکیت اموال میت پس از فوت به وراثت وی است. این امر از زمان شکل‌گیری خانواده وجود داشته و به تدریج گسترش پیدا کرده است. اما در گذشته و پیش از اسلام، در ارث حقی برای زن شناخته نشده بود اما با آمدن اسلام این امر برای زنان نیز شناخته شد. (کاظمی، ۱۳۸۷، ۲) ارث در واقع دارایی و حقوقی است که فردی با فوت فردی دیگر مستحق آن می‌گردد. (سلطانیه، فهیمی، ۱۴۰۱، ۱۷۵) در ادامه ارث بردن زنان را در چهار فرض ممکن مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

### ۵-۳-۲-۱. نخست به عنوان همسر

ماده ۴۹۰ قانون مدنی زن را به مجرد انعقاد پیمان زناشویی، دارای حق ارث در اموال شوهر به میزان معین دانسته است. کیفیت و میزان سهم الارث زن به عنوان همسر در مواد ۹۱۳، ۹۲۷ و ۹۳۸ قانون مدنی ذکر شده است. مطابق ماده ۹۲۲ قانون مدنی در زمان گسسته شدن این پیمان در طلاق رجعی تا پایان مدت عده، حق ارث ثابت می‌ماند. همچنین



اگر طلاق در زمان بیماری ای که به مرگ ختم شده است واقع گردد، حق ارث زن تا یک سال باقی است.

#### ۵-۳-۲. ارث به عنوان فرزند

ماده ۹۰۷ قانون مدنی مقرر می‌دارد که اگر دختر تنها فرزند خانواده باشد تمامی ترکه به او می‌رسد و اگر فرزندان همگی دختر باشند ترکه به طور مساوی میان آن‌ها تقسیم می‌گردد اما اگر فرزندان متفاوت باشند، فرزند پسر دو برابر فرزند دختر ارث می‌برد. این حکم مربوط به فرزندان بی‌واسطه است. (میرخلیلی، ۱۳۷۸، ۱۳۶)

#### ۵-۳-۳. ارث به عنوان مادر

ماده ۹۰۶ و ۹۰۸ قانون مدنی در صورتی که متوفی وارث دیگری جز پدر یا مادر نداشته باشد، تمام ارث را از آن‌ان دانسته است. اگر هر دوی آن‌ها جز وراث باشند، مادر یک سوم اموال را ارث می‌برد. همچنین اگر به غیر از مادر و پدر متوفی فرزندی داشته باشد، پدر و مادر هر کدام یک ششم ارث می‌برند. (میرخلیلی، ۱۳۷۸، ۱۳۷)

#### ۵-۳-۴. ارث به عنوان خواهر

ماده ۹۱۷ خواهر را در حالتی که تنها وارث برادر باشد، مالک همه اموال او می‌داند. مطابق ماده ۹۱۹ اگر متوفی منسوبینی از طریق مادر داشته باشد، ماترکه به طور مساوی تقسیم شده و اگر منسوبین ابوینی باشند، مردان دو برابر زنان ارث خواهند برد. (میرخلیلی، ۱۳۷۸، ۱۳۸)

#### ۵-۳-۳. دیه

دیه زن و مرد در کمتر از یک سوم با یکدیگر برابر است یعنی اگر جراحت یا صدمه‌ای که بر مرد یا زن وارد شده است کمتر از یک سوم دیه کامل باشد، دیه مرد و زن تفاوتی ندارد. قول مشهور فقهای امامیه نیز بر این منوال است که تا زمانی که

دیه عضو یا جراحت به یک سوم کامل مرد نرسیده باشد، زن و مرد به طور مساوی در برابر یکدیگر قصاص می‌شوند. (کاظمی، ۱۳۸۷، ۵) زنان در فقه در دیه کامل و دیه موی سر با مردان متفاوتند. در مردان اگر مو دیگر نروید، به نظر مشهور فقها، باید دیه کامل پرداخته شود و اگر دوباره بروید، باید جریمه بپردازد (النجفی، بیتا، ب، ۱۷۲-۱۶۹) در زنان به دلیل اهمیت مو، اگر مو پس از مدتی بروید، دیه آن به اندازه مهریه زنان همتای اوست و اگر هرگز نروید دیه آن کامل است؛ یعنی هزار مثقال طلا (همان، ۱۷۴) همچنین بر اساس حقی که اسلام برای اولیای دم قرار داده، دختر در خانه پدر یا همسر در خانه شوهر می‌تواند سهم‌الارث خود را از دیه طلب کند. (کاظمی، ۱۳۸۷، ۶)

در قانون نیز مطابق ماده ۵۵۰ قانون مجازات اسلامی دیه قتل زن، نصف دیه مرد است. اما در دیه اعضا و منافع، دیه زن و مرد تا میزان یک سوم مساوی است. همچنین در مورد دیه کندن موی سر، در صورتی که دیگر نروید هم در مردان و هم زنان، دیه کامل بوده و در صورتی که دوباره بروید، در مردان نسبت به موی سر، ارش تعیین خواهد شد و در زنان مهر المثل به آنان تعلق خواهد گرفت. در ادامه مالکیت‌های حمایتی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

#### ۵-۳-۴. مهریه یا صداق

مهریه در معنای خاص نهادی است که معادل آن در حقوق غربی نیست اما از نهادهای تأسیسی اسلام نیز نیست، بلکه اسلام آن را که در ملل و ادیان گذشته موجود بوده، (باباخانی، ۱۳۷۷، ۱۳-۱۱) امضا کرده است. (مطهری، ۱۳۸۱، ۱۸۹) و (تقی زاده، موسوی، ۱۳۸۹، ۶۶)

مهر مالی است که به موجب عقد نکاح زوج مکلف است آن را به زوجه پرداخت کند و از حقوق مالی

از عبارت مایحتاج زن مشخص می‌گردد که مرد باید نیازهای همسرش را تأمین کند و ذکر غذا و البسه و... بیان برخی از نیازهای زن است. همان طور که در وسیله النجاه میزان نفقه را به اندازه رفع نیاز زن فرض کرده است (الاصفهانی، بی تا، ۶۹۷)

در پرداخت نفقه، شأن و منزلت خانوادگی و اجتماعی زن ملاک و مبنای عمل است، نه وضعیت مرد؛ همچنین الزام به پرداخت آن، نسبت به تمکن و عدم تمکن مالی زن مطلق می‌باشد. (کاظمی، ۱۳۸۷، ۸)

قانون مدنی در ماده ۱۱۰۶ نفقه زوجه را بر عهده زوج دانسته و در ماده بعد آن را تعریف کرده است: «نفقه عبارت است از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن از قبیل مسکن، البسه، نان، اثاث منزل و هزینه‌های درمانی و بهداشتی و خادم در صورت عادت یا احتیاج به واسطه نقصان یا مرض.»

نفقه به دختران نیز پرداخته می‌شود. مطابق شرع و قانون پدر مکلف است به فرزندان خود نفقه بپردازد و اسباب زندگی آنان را تهیه کند. ماده ۱۱۹۸ کسی را مکلف به انفاق می‌داند که متمکن باشد و ماده بعد نفقه اولاد را بر عهده پدر می‌گذارد.

### ۵-۳-۶. حق سکنی و تأمین منزل

از ارکان اساسی تشکیل خانواده در کنار هم زندگی کردن زوجین است. لذا بر مرد واجب است که برای همسر خود مسکن مناسب تدارک ببیند و زن نیز باید در آن مسکن ساکن شود. اختیار تعیین محل سکونت زن با مرد است اما وی باید حال و شئون زوجه را در انتخاب محل سکونت رعایت نماید. از طرفی توان مالی مرد نیز لحاظ گردد. قرآن در این باره می‌فرماید: «زنان را به لحاظ مسکن آن گونه سکونت دهید که خود برخوردار هستید و در حد توان و تمکن خویش، مسکن مناسب برای ایشان

است که برای زن به واسطه زوجیت ایجاد می‌شود. (تقی زاده، موسوی، ۱۳۸۹، ۷۰)

صاحب جواهر در شرح شرایع می‌فرماید: «مهریه در جهت کمی و در جهت بسیاری، اندازه ندارد بلکه هر چه زن و شوهر بدان، توافق داشته باشند مجاز خواهد بود. این نظر نیز حتی زیادی مهر، اجماعی یا قریب به اجماع است و نیز، زن میتواند پیش از دریافت مهریه خویش، تقاضای همسر خویش را اجابت نکند.» (نجفی، بی تا، ۱۳) (کاظمی، ۱۳۸۷، ۶)

مطابق ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی به مجرد عقد، زن مالک مهر می‌شود و می‌تواند هر نوع تصرفی که بخواهد در آن بنماید. مطابق مواد ۱۰۷۸ تا ۱۰۸۰، هر چیزی که مالیت داشته و قابل تملک باشد می‌تواند مهر قرار گیرد و میزان و کیفیت آن باید میان طرفین تا حدی که رفع جهالت بشود، معلوم باشد. همچنین به طور کلی مقدار مهر منوط به تراضی طرفین است.

### ۵-۳-۵. نفقه

زن به سبب رابطه زوجیت دارای حق مالی دیگری به عنوان نفقه می‌شود. مرد مکلف است هزینه زندگی زن را تأمین نماید. تعاریفی که در فقه برای نفقه ارائه شده است اغلب همراه با ذکر مصادیق است و به همین دلیل اکثر اختلافها به مصادیق بازمی‌گردد. صاحب جواهر نفقه را اینطور تعریف کرده است: «مایحتاج زن از جمله غذا، البسه، مسکن، خادم و وسایل آشپزی که به طور متعارف با وضعیت زن در آن شهر متناسب باشد.» (النجفی، بی تا، الف، ۳۳۰)

بعضی از فقها، مصادیق دیگری به آن اضافه کرده‌اند: «وسایل تنظیف و آرایش از جمله شانه، کرم، صابون و هزینه حمام در صورت نیاز.» (مکی‌العاملی و جبعی‌العاملی، ۱۴۰۳، ق، ۴۶۹)



مراجعه نمود که شباهت‌هایی به این موضوع دارند. به استثنای برخی موارد که به دلیل اختصاصی بودن وظایف یا تراحم آن با مسئولیتهای محول شده، محدودیت‌هایی موجود است. (کاظمی، ۱۳۸۷، ۱۱)

در قانون ایران ماده واحده اصلاح مقررات مربوط به طلاق، مطالبه اجرت المثل را تنها در صورت درخواست طلاق (گواهی عدم امکان سازش) برای زوجه پیش بینی نموده بود. البته این مطالبه در صورتی برای زوجه امکان پذیر بود که طلاق بنا به درخواست زوجه نبوده و همچنین تقاضای طلاق ناشی از تخلف زن از وظایف همسری یا سوءاخلاق و رفتار وی نباشد. اما مقنن در سال ۱۳۹۱ طبق ماده ۲۹ قانون حمایت خانواده، موضوع اجرت المثل را به تبصره ماده ۳۳۶ قانون مدنی مصوب ۱۳۸۶ ارجاع داده و دیگر اثبات شرایط و موارد ذکر شده را برای مطالبه اجرت المثل لازم ندانسته است.

با بررسی شرایط مذکور در ماده ۳۳۶ قانون مدنی، دریافت می‌شود که شرایطی افزون بر شرایط استیفا از عمل غیر مقرر در ماده ۳۳۶ قانون مدنی، در این تبصره وجود ندارد. مطابق ماده ۲۹ قانون حمایت خانواده و با لحاظ تبصره ماده ۳۳۶ قانون مدنی، زوجه تنها می‌تواند در این شرایط مطالبه اجرت نماید: عدم وظیفه شرعی زوجه به کارهای انجام گرفته، تعلق عرفی اجرت المثل برای امور انجام شده، دستور زوج، عدم قصد تبرع. (بیمرلی، ۱۳۹۸، ۴۰۴-۴۰۶)

### ۵-۳-۹. تنصیف اموال

براساس مصوبه شورای عالی قضایی در سال ۱۳۶۲ دستورالعملی از سوی سازمان ثبت اسناد و املاک کل کشور به دفاتر رسمی ازدواج فرستاده شد،

فراهم کنید و به آنان ضرر و زیان وارد نرسانید، که در تنگنا قرار گیرند و از حق خود دست بردارند.» آیه مذکور در مورد زنان مطلقه است، یعنی در زمان عده در طلاق رجعی نیز، تهیه مسکن و نفقه زن بر عهده مرد است. (کاظمی، ۱۳۸۷، ۹) قانون مدنی نیز در ماده ۱۱۱۴ انتخاب و تهیه مسکن زوجه را برعهده زوج گذاشته است.

### ۵-۳-۷. حق دریافت شیربها

حاکم شرع در اینجا از یک سرمایه طبیعی چون شیر، برای مادر حقوق مالی قرار داده و او را مورد حمایت خود قرار داده است. بر اساس منابع فقهی در خصوص اخذ شیربها سه حکم کلی می‌تواند باشد. نخست حرمت آن با جواز رجوع که در حالات ذیل رخ می‌دهد: اخذ شیربها به عنوان مهریه، اخذ شیربها به عنوان جرئی از مهریه، اخذ شیربها به همراه مهریه بدون آنکه جزئی از آن باشد، اعطای مال به عنوان استخلاص و رها کردن دختر از دست ولی برای ازدواج با او و شبهه ترویج عادات ناپسند. حکم دوم حلال بودن اخذ آن با جواز رجوع زوج در صورت گرفتن شیربها با توافق غیر ملزومه و حکم سوم حلال بودن گرفتن آن با عدم جواز رجوع که در موارد گرفتن شیربها به عنوان هبه لازم، گرفتن شیربها به عنوان جعاله و گرفتن شیربها به عنوان شرط ضمن عقد از طرف زوجه، رخ می‌دهد. (افشار و همکاران، ۱۳۹۸، ۶۱-۵۴)

### ۵-۳-۸. حق دریافت اجرت المثل

اجرت المثل، اجرت متعارفی است که بدون اینکه طرفین عقد آن را از قبل تعیین کرده باشند، بعد از انجام کار پرداخت می‌شود. در اغلب معاملات که استفاده از کار یا منفعت غیرمعمول است، زمینه طرح اجرت المثل وجود دارد. در مورد اجرت کار زن در منزل در فقه، مبحث مستقلی وجود ندارد اما می‌توان به موضوعات مندرج در بخش معاملات

نساء می‌فرمایند: «مهر زنانان را به عنوان نحله به آنان بپردازید.» در برخی از تفاسیر این آیه، نحله را همان مهریه دانسته‌اند. حال باید دید چرا در این ماده واحده نحله به غیر مهریه اطلاق شده است و اگر نحله چیزی غیر از مهریه است مستند شرعی آن چیست؟ در کتب معتبر لغوی نیز نحله به معنای بخشش براساس تبرع و احسان. (راغب، ۱۴۱۲، ۴۸۵) و بخشش و عطیه‌ای اعطا شده با طیب خاطر (جوهری، ۱۹۵۶، ۵) آمده است. مقصود از نحله در بند ۶ تبصره ماده واحده، مهریه نیست و مقنن در این ماده واحده بیشتر معنای لغوی نحله را در نظر گرفته است. به نظر میرسد این بخشش، تأسیس حقوقی و حق مالی جدیدی برای زوجه مطلقه است که مقنن به هدف حمایت مالی از زنان مطلقه آن را مطرح نموده است اما با توجه به آیات قرآنی و روایات معتبر، پرداخت نحله یا بخشش به زن در هنگام طلاق است و بند «ب» تبصره ۶ ماده واحده نیز از این آیات قرآنی استنتاج شده است اما در قرآن با عنوان «متاع» از آن یاد شده است. (حکیمپور ۱۳۸۲، ۲)

### ۵-۳-۱۱. حق اشتغال

در اسلام هیچ آیه یا روایتی زن را از اشتغال منع نکرده است. فقهای شیعی نیز با رعایت شرایط، کار کردن زن در بیرون از منزل را پذیرفته‌اند. (مغنیه، ۱۹۶۵، ۲۶۴) شیخ طوسی در خصوص اهلیت تصرف زن در اموالش که ممکن است نوعی فعالیت اقتصادی باشد می‌فرماید: «با بلوغ دختر و رشد او، اموالش تحویل او می‌گردد و او مجاز است هر نوع تصرفی در آن معمول دارد؛ چه شوهر داشته باشد یا خیر. در صورت داشتن شوهر نیز تصرف زن در اموال خود نیاز به اذن شوهر ندارد.» (طوسی، ۱۳۸۸، ۲۸۶) از نظر فقهای معاصر نیز مانند امام خمینی: «شغل صحیح برای زن هیچ مانعی ندارد.»

مبنی بر اینکه در اسناد رسمی ازدواج شروط دوازده گانه‌ای گنجانده شود. (مهرپور، ۱۳۷۹، ۴۴)

از جمله این شروط، شرط تملیک مجانی تا نصف اموال زوج است که به شرط تنصیف شناخته می‌شود. بیان میدارد: «ضمن عقد نکاح زوجه شرط نموده که هرگاه طلاق بنا به درخواست زوجه نباشد و طبق تشخیص دادگاه تقاضای طلاق ناشی از تخلفات زوجه از وظایف همسری یا سوء اخلاق و رفتار وی نبوده زوج تا نصف دارائی موجود خود را که در ایام زناشویی با او به دست آورده است یا معادل آن را طبق نظر دادگاه بلاعوض به زوجه منتقل نماید.»

هدف از این عمل حمایت از حقوق زن و سهمیه کردن او در دارایی خانواده است. این دارایی اغلب محصول مشترک کار زن در منزل و فعالیت مرد در بیرون است. با حفظ اصل فقهی استقلال زن در دارایی اختصاصی خود، مشارکت دادن زن در دارایی حاصل شده در ایام زوجیت مطرح شد. مسئله نظام اشتراک دارایی غربی در فقه اسلامی و سنت‌های ایرانی سابقه نداشت، لذا سعی شد تا نهاد عاریتی اشتراک دارایی در پوشش فقهی و به عنوان شرط ضمن عقد مورد پذیرش قرار گیرد. (عبادی، صفوی شاملو، ۱۳۹۳، ۱۴۶)

### ۵-۳-۱۰. نحله

بند ۶ تبصره اصلاح مقررات مربوط به طلاق، حق جدیدی برای مطلقه شناخت که تا قبل از تصویب این قانون پیشینه‌ای نداشت. مقنن این حق مالی را به بخشش تعبیر نموده است. نحله در لغت نیز به معنای بخشش است. قرآن نیز آن را در کنار صدقات آورده است که نشان از رایگان بودن آن دارد. (روشنی، محمدی رمقانی، ۱۳۹۰، ۱۱۲)

نحله در متن قانون نیز به صورت یک قید و پس از کلمه بخشش آمده است. خداوند در آیه ۴ سوره

شدن و استیفا و بهره مندی اثری است که اعتبار حق با خود همراه دارد. (مهريپور، ۱۳۷۹، ۴۴)

#### ۵-۴-۱. حق اعراض

حق، سلطه جعل و اعتبار شده شخصی بر شخص، مال یا شیء دیگر است. هر صاحب حقی می‌تواند از حق خود صرف نظر کند. بر حسب اینکه حق دین است یا عین، این سلب نام‌های متفاوتی می‌گیرد که اسقاط حق عینی اعراض نام دارد. (توکلی نیا، ۱۳۹۶، ۱۸۴)

خارج شدن شیء از تسلط فرد در دو صورت رخ می‌دهد. یک آنکه بی اختیار باشد، نظیر آنکه غضب شود یا به سرقت برود که در این صورت این رابطه مالکیت بنا بر خواست مالک قطع نشده است و دوم آنکه مالک به اختیار، مالکیت خود را قطع کند که در چهار حالت رخ می‌دهد. نخستین حالت تملیک عین است یعنی آنکه مالک عین را از طریق بیع، صلح، هبه یا وصیت به تملیک فرد دیگری درآورد. دومین حالت تملیک منفعت است یعنی مالک، منفعت شیء را از طریق اجاره به فرد دیگری بدهد. سوم اباحه منفعت است یعنی منفعت بدون دریافت ما به ازاء به شخص دیگری واگذار شود نظیر عاریه و چهارم رفع ید از عین و رها کردن آن بدون تملیک عین یا تملیک منفعت و یا اباحه آن، این حالت همان اعراض از حق است. (ایروانی، ۱۴۰۶، ۲۱۶، ق.ه)

#### ۵-۴-۲. حق اسقاط

اسقاط حق از امور انشایی است (یزدی، ۱۴۲۱، ۱۶۵) و از ایقاعات است. (محقق داماد، ۱۴۰۶، ۸۴) ایقاع عمل حقوقی یک طرفه است که به یک اراده بستگی دارد اما اثر آن به طرف مقابل نیز سرایت می‌کند و ذمه او را نسبت به صاحب حق بری می‌کند مانند ابرای مدیون یا عتق. (قزوینی، ۱۴۱۴، ۳۶۲)

(موسوی خمینی، ۱۳۷۱، ۱۸۲) (دیلمی، خداداد پور، ۱۳۸۷، ۱۱۵-۱۱۶)

قانون مدنی نیز اصل را بر آزادی زن در اشتغال گذاشته است اما آن را محدود ساخته است. مطابق ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی: «شوهر می‌تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد منع کند.» بنابراین همسر می‌تواند در جهت اشتغال زوجه مانع بگذارد.

#### ۵-۳-۱۲. موارد دیگر حمایتی در شرایط خاص

موارد حمایت مالی از سوی حاکم و بیت‌المال که رها ساختن زنان مسلمان از تعهد زندگی با مردان کافر، پرداخت نفقه به زنی که شوهرش غایب مفقودالثر است و طلاق قضایی بر پایه قانون اسلام. (کاظمی، ۱۳۸۷، ۱۳-۱۱).

#### ۵-۴. آثار حقوق مالی زنان

در این بخش، حق تمتع و بهره مندی، حق اعراض، حق اسقاط و حق تعقیب به عنوان مصادیق آثار حقوقی حقوق مالی زنان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

#### ۵-۴-۱. حق تمتع و بهره مندی

مطابق آنچه ماده ۹۵۶ قانون مدنی بیان می‌دارد: «اهلیت برای دارا بودن حقوق با زنده متولد شدن انسان شروع و با مرگ او تمام می‌شود.» این ماده از دارا شدن یا همان تمتع سخن می‌گوید. یعنی انسان از بدو تولد و حتی پیش از آن در دورانی که حمل هست نیز به شرط زنده به دنیا آمدن می‌تواند چیزی یا حقی را دارا باشد و به اصطلاح اهلیت تمتع دارد و در ادامه دارا شدن و به تبع آن حق جزء در مواردی که قانون و شرع منع می‌کنند به طور مثال در زمانی که اهلیت استیفا ندارد یعنی محجور است که در ماده ۱۲۰۷ قانون مدنی نام برده شده‌اند، می‌تواند از حقی که تحت تسلط اوست، بهره‌مند شود و از آن استفاده کند. این دارا

### ۵-۴-۱-۳. حق انتقال

از نظر مشهور فقیهان، از ویژگی‌های حق، اسقاط پذیری و قابلیت نقل و انتقال است و این ویژگی‌ها آن را از حکم متمایز می‌کند. (انصاری، ۱۴۱۰ق، ۹-۳) در اکثر مصادیق حق قابلیت نقل یا انتقال وجود دارد. (رضوی، رضوی، ۴۸)

حقوق متفاوت و متنوعی در ارتباط با هر مال موجود است؛ نظیر حق ارتفاق، حق شفعه، حق خیار، در برخی موارد حق قبول و یا حق تنفیذ و رد در معاملات فضولی. در حالت کلی نیز باید توجه نمود که در رابطه با خود حق مالکیت نیز ممکن است مالی از مالکیت شخصی خارج شده و به مالکیت شخص دیگر دربیاید به طور مثال با عقد بیع به ملکیت شخص دیگری درآید یا به ارث برسد.

از جهت قابلیت نقل و انتقال حق به چهار قسم تقسیم می‌گردد. حقوقی که قابل انتقال نیستند مانند حق حضانت و ولایت. حقوقی که قابلیت انتقال دارند مانند حق تحجیر. حقوقی که قابلیت نقل دارند اما قابل انتقال نیستند یعنی قابلیت انتقال قهری ندارند و حقوقی که قابلیت انتقال دارند اما قابل نقل نیستند به این معنی که انتقال قراردادی در آنها ممکن نیست. (رضوی، رضوی، ۴۸، ۱۳۹۹)

انتقال قهری به این معنی است که با رخ دادن حوادثی نظیر فوت، ارتداد و امثال آن اموال شخص به ورثه یا قائم‌مقام او منتقل می‌شود و به تبع آن حقوق راجع به اعیان هم متعلق حق ایشان بوده و منتقل خواهد شد. در این حالت ورثه قائم مقام عام نام می‌گیرد. (شهیدی، ۱۳۸۷ش، ۲۴) انتقال قراردادی نیز آن است که موضوع حق به وسیله قرارداد به مالک جدید منتقل شود. مالک جدید در اصطلاح، قائم مقام خاص مالک سابق است. (رضوی، رضوی، ۱۳۹۹، ۶۱) زنان و دختران نیز به واسطه

با این وجود گاه اسقاط به توافق و تعهد و مصالحه میان طرفین و در برابر عوض رخ می‌دهد مانند ابرای دین یا اسقاط حق دینی که برخی فقها قبول مدیون را در آن لازم می‌دانند چرا که در آن منتی بر او وجود دارد. (طوسی، ۱۳۸۷، ۳۱۴) برخی دیگر از فقها قبول مدیون در اسقاط را تنها در حالتی الزامی می‌دانند که به عنوان صلح واقع گردد چرا که صلح عقد است و به ایجاب و قبول نیاز دارد. بنا بر اقوی حتی در حالتی که افاده ابرا و اسقاط حق بنماید نیز این امر جاری است. (گلپایگانی، ۱۴۱۳، ۴۰۶) و (الانی، راغبی، ۱۳۹۹، ۴۵۵)

اسقاط از آثار سلطنت ناشی از حق مالکیت شخص بر اموال و حقوق است. (محقق داماد، ۱۴۰۶، ۲۹۲) زمانی که شخصی مطابق شرع و قانون بر چیزی مسلط است تا اعمال خاصی بر روی آن انجام دهد، مشروعیت این اعمال نظیر اسقاط از آثار سلطنت است. (الانی، راغبی، ۱۳۹۹، ۴۵۵) اما برخی از فقها بر این دیدگاه اشکال گرفته‌اند و گفته‌اند مقتضای مالکیت و سلطنت انسان بر عین یا عمل این است که تنها امور مربوط به عین یا عمل به دست او باشد، نه خود ملکیت سلطنت بر آنها. چرا که مالکیت و سلطنت اعتباری هستند و وضع آنها به دست معتبر است نه اشخاص. معتبر و مقنن به سبب مصلحتی که در ملکیت یا حقیت برای شخص است، این دو را برای او جعل کرده است و سقوط آن نیز به دست شارع و معتبر است. پس هر موقع که خود مصلحت بداند آن را ساقط می‌کند. اعتبار ملکیت و حقیت چه در ثبوت و وضع چه در سقوط و رفع به دست مقنن است نه صاحب حق. (اصفهانی، ۱۴۱۸، ۴۶-۴۵) بنابراین اسقاط حق تنها نسبت به حقوقی ممکن است که ادله معتبر شرعی به عفو و چشم پوشی از آنها تصریح نموده باشد. (الانی، راغبی، ۱۳۹۹، ۴۵۶-۴۵۴)

## ۶. نتیجه‌گیری

در ارتباط با حقوق مالی و اقتصادی زن، یک اصل اساسی و مبنایی وجود دارد که همان اصل استقلال زن می‌باشد. به تعبیری، حقوق مالی زن به صورت مستقل مورد شناسایی قرار گرفته است. نکته حائز اهمیت این است که هیچ‌گونه تکلیف مالی در برابر حقوق مزبور برای زن در نظر گرفته نشده است. همین امر، عدول از این قاعده عمومی-منطقی می‌باشد که در برابر هر حقی، تکلیفی وجود دارد. از طرف دیگر، مصادیق حقوق مالی و اقتصادی زن نیز از حیث ماهوی و آثار متنوع می‌باشند. پایگاه برخی از این حقوق در شخصیت زن (مانند نفقه، مهریه و ... ) و پایگاه برخی دیگر در دایره حقوق اموال و شبه جرم است (مانند مسائل مربوط به دیه). در واقع، حقوق مالی و اقتصادی زن هم از حیث ماهیت و هم از حیث آثار دچار چندگانگی شده است که ارائه طبقه‌بندی برای مصادیق مزبور را ممتنع می‌کند. در یک رویکرد کلان به این چالش باید دقت داشت که، مقررات حقوقی، صرفاً مجموعه‌ای از هنجارهای بی‌نظم و بی‌منطق نمی‌باشد، بلکه در بطن هنجارهای مزبور و نحوه ارتباط آن‌ها با یکدیگر و نیز آثار آن‌ها، نظامی منطقی مشهود است. در پرتو این نظم است که هنجارهای عالم حقوق قابل درک و وجود آن‌ها توجیه‌پذیر خواهد شد.

در واقع به هر میزان که روابط میان تابعان حقوق در سطح ساده‌تری قرار گیرند و متغیرهای کمتری در آن‌ها وجود داشته باشد، هنجارهای حقوقی تنظیم‌کننده آن‌ها نیز به مراتب ساده و کلی خواهد بود. در مقابل، هرچه روابط مزبور در سطح پیچیده‌تری قرار گیرند و متغیرهای بیشتری در آن وجود داشته باشد، هنجارهای حقوقی تنظیم‌کننده آن‌ها نیز به مراتب پیچیده‌تر و جزئی‌تر می‌شود که این امر در فضای جایگاه و روابط زن در جامعه مصداق

دارا شدن حق مالی، حق انتقال آن را جز در مواردی که قانون و شرع منع کرده‌اند، دارا خواهند شد.

## ۵-۴-۱-۴. حق تعقیب

اصطلاح حق تعقیب در حقوق مفهومی واحد ندارد. این حق در حقوق اموال و مالکیت یکی از اوصاف حقوق عینی است که به موجب آن شخص دارنده حق عینی می‌تواند حق خود را در هر مکان و نزد هر شخصی بیابد، مطالبه کند. (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ۲۵) و (ابطحی و همکاران، ۱۳۹۲، ۲) این حق از تفاوت‌های میان اوصاف حق عینی و حق دینی است.

حق عینی توانایی شخصی نسبت به شیء خارجی است، یعنی رابطه حقوقی مستقیم میان شخص و شیء اما حق دینی رابطه اعتباری میان دو شخص است و تعهدی که میان آن‌هاست که بر اساس همین تعهد، متعهد له می‌تواند از متعهد فعل یا ترک فعلی را طلب کند. حق عینی تنها دو رکن دارد. دارنده حق و مال موضوع حق. اما حق دینی سه رکن طلبکار، بدهکار و موضوع حق یا همان دین را داراست. حق عینی مطلق و در برابر همه افراد قابل استناد است اما حق دینی نسبی است و فقط می‌توان به متعهد رجوع کرد. حق عینی دارای حق تعقیب است یعنی موضوع حق دست هر کس باشد می‌تواند آن را بگیرد و آخر آنکه حق عینی متضمن حق تقدم برای صاحبش است یعنی دارنده حق عینی مقدم بر دارنده حق دینی است. (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ۲۶-۲۴) و (نعمت‌اللهی، ۱۳۸۹، ۱۱۳) زنان و دختران نیز به واسطه دارا شدن حق عینی از حق تعقیب برخوردار هستند.

پیدا می‌کند. به بیان ساده‌تر عالم حقوق با گذشت زمان و حاکم شدن فضای پست‌مدرنیسم و منطق فازی به سمت انکسار و اختصاصی شدن حرکت می‌کند. به تعبیری، اصول و قواعد عام، توانایی تنظیم روابط اختصاصی افراد را ندارند؛ در نتیجه، از یک‌سو با توجه به ورود متغیرهای جدید و مختلف به فضای روابط میان تابعان حقوق، روابط مزبور در واقع اختصاصی شده و در پاسخ به این روابط اختصاصی نیز در عالم حقوق، هنجارها و مقررات اختصاصی، طراحی و تولید شده است. از سوی دیگر، مناسبات میان هنجارهای کلی عالم حقوق (که در قامت اصول و قواعد کلی برای اعمال در حوزه‌های مختلف حقوقی طراحی شده‌اند) با هنجارها و مقررات اختصاصی، با چالش‌های مختلفی از قبیل تعارض، تراحم و به طور کلی عدم هماهنگی، مواجه شده است. در نهایت پیشنهاد می‌شود که در راستای اختصاصی شدن روابط و جایگاه زنان، حقوق مالی و اقتصادی آن‌ها در یک مجموعه مقررات مستقل طراحی و اصول متناسب با فضای آن نیز بازتعریف گردد.

#### ۷. سهم نویسندگان

کلیه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

#### ۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.



## منابع

- صفایی، حسین، ۱۳۵۱، دوره مقدماتی حقوق مدنی، ج ۱، اشخاص و خانواده، اموال، چاپ دوم، تهران: مؤسسه عالی حسابداری.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۷۳، حقوق اموال، چاپ سوم، تهران: گنج دانش.
- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۵۱، حقوق مدنی، مقدمه: اموال - کلیات قراردادها، چاپ ششم، ج ۱، تهران: دانشکده علوم اداری و مدیریت بازرگانی.
- فرج، توفیق حسن، ۱۹۹۳، الحقوق العينية الاصلية، بيروت: الدار الجامعه.
- کی نیا، مهدی، ۱۳۴۳، اطلاعات حقوقی برای رشته معماری، دانشگاه تهران.
- احمد زاده بزاز، سید عبدالمطلب، ۱۳۷۹، مالکیت موقت (زمانی)، نامه مفید، شماره ۲۴.
- میرخلیلی، سید احمد، ۱۳۷۸، جایگاه زن در حقوق خانواده (ارث، طلاق، حضانت)، فقه و اصول، دوره ۳۱، شماره ۲.
- کاظمی، زهره، ۱۳۸۷، حمایت‌های مالی زنان در نظام حقوق خانواده از دیدگاه اسلام، دو فصلنامه فقه و حقوق خانواده، دوره ۱۲، شماره ۴۹.
- افشار، اباذر، موحدی نیا، مهدی، و قلی پور، احداله. ۱۳۹۸، واکاوی ماهیت و جواز شیربها از دیدگاه فقه امامیه و حقوق موضوعه، مطالعات اسلامی زنان و خانواده، شماره ۱۰.
- مهرپور، حسین، ۱۳۷۹، مباحثی از حقوق زن، چاپ اول، تهران: انتشارات اطلاعات.
- عابدی، محمد، صفوی شاملو، حسین، ۱۳۹۶، تحلیل فقهی حقوقی اوصاف و وضعیت شرط تنصیف اموال زوج، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، شماره ۱۰.
- روشن، محمد و محمدی رمقانی، حسن، ۱۳۹۰، بررسی ماهیت حقوقی نحله، مجله مطالعات حقوقی، دوره سوم، شماره ۱.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ ه.ق، مفردات الفاظ القرآن، دمشق: دارالقلم.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۹۵۶، الصحاح، قاهره: دارالعلم للملایین.
- موسوی خمینی، روح‌الله، ۱۳۷۱، صحیفه‌ی نور، ج ۶، قم: مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- سلطانیه، محمد و فهیمی، عزیزالله، ۱۴۰۱، حقوق مالی قابل ارث در فقه امامیه و حقوق ایران، فصلنامه علمی پژوهشی فقه، سال ۲۹، شماره ۱.
- امامی، سید حسن، ۱۳۹۰، حقوق مدنی، چاپ سی و دوم، ج ۱، تهران: انتشارات اسلامی.
- امامی، سید حسن، ۱۳۹۰، حقوق مدنی، چاپ سی و دوم، ج ۴، تهران: انتشارات اسلامی.
- امامی، سید حسن، ۱۳۹۰، حقوق مدنی، چاپ سی و دوم، ج ۵، تهران: انتشارات اسلامی.
- نعمت‌اللهی، اسماعیل، ۱۳۸۹، تحلیل فقهی حق عینی و حق دینی و مفاهیم مرتبط، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، شماره ۳.
- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۹، مقدمه علم حقوق، چاپ هفتاد و پنجم، تهران: شرکت سهامی گنج انتشار.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۷۷، ترمینولوژی حقوق، چاپ نهم، تهران: گنج دانش.
- انصاری، مرتضی، ۱۳۶۶، مکاسب (بیع). قم: مطبوعات دینی.
- الآملی، محمد تقی، ۱۴۱۳، المكاسب و البیع (تقریرات درس میرزا محمد حسین غروی نائینی)، ج ۱، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- الجزائری المروج، السید محمد جعفر، ۱۴۱۶، هدی الطالب الی شرح المكاسب، ج ۱، الطبعة الاولى: قم، مؤسسه دارالکتاب الجزائری به نقل از: اصفهانی، محمد حسین. حاشیه‌ی المكاسب، ج ۱، ۷.
- التوحیدی، محمد علی، ۱۳۷۱، مصباح الفقاهة فی المعاملات (تقریرات درس آیه الله العظمی خویی)، الطبعة الثالثة، ج ۲ و ۳، قم: وجدانی.
- الزحیلی، وهبة، ۱۹۸۴، الفقه الاسلامی و ادلته، الطبعة الثانية، ج ۴، دمشق: دارالفکر. به نقل از: فتح القدیر، ج ۵، ص ۷۴ و الفروق، ج ۳، ص ۲۰۸.
- الزحیلی، وهبة، ۱۹۸۴، الفقه الاسلامی و ادلته، الطبعة الثانية، ج ۵، دمشق: دارالفکر. به نقل از: فتح القدیر، ج ۵، ص ۷۴ و الفروق، ج ۳، ص ۲۰۸.
- امامی، سید حسن، ۱۳۷۳، حقوق مدنی، چاپ سیزدهم، ج ۱، تهران: اسلامی، ۱۳۷۳.

- حکیم پور، محمد، ۱۳۸۴، حقوق زن در کشاکش سنت و تجدد، چاپ ۲، تهران: نغمه نواندیش.
- مغنیه، محمدجواد، ۱۹۶۵، الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۴، بیروت: دارالعلم للملایین.
- دیلمی، احمد، و خدادادپور، منیره، ۱۳۸۷، سوء استفاده از حق ریاست شوهر در منع اشتغال همسر، مطالعات اجتماعی- روان شناختی زنان، مطالعات زنان، سال ششم، شماره ۲.
- الراغب الاصفهانی، حسین بن محمد، مفردات غریب القرآن، بی ج، دفتر نشر کتاب، ۱۴۰۴ ه.
- الطوسی، محمد ابن الحسن، ۱۳۸۸، المبسوط فی الفقه الامامیه، الطبعة الثانیه، تهران: المكتبة المرتضویه لإحیاء الآثار الجعفریه.
- مکی العاملی، محمد بن جمال الدین و الجبعی العاملی، زین الدین، ۱۴۰۳ ه.ق، الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه، الطبعة الثانیه، ج ۵، بیروت: دارإحیاء التراث العربی.
- النجفی، شیخ محمد حسن، بی تا، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، الطبع السابعه، ج ۴۳، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- تقی زاده، علی و موسوی، سید احمد، ۱۳۸۹، ضمانت مهریه، پژوهش حقوق سیاست، شماره ۲۹.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۸۱، نظام حقوقی زن در اسلام، چاپ سی و سوم، تهران: صدرا.
- باباخانی، زرین، ۱۳۷۷، مهریه ( حقوق خاصه زوجه)، چاپ اول، تهران: رامین.
- ایروانی، علی، ۱۴۰۶ ه.ق، جمال المسلك فی الاعراض عن ملك، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- انصاری، مسعود، طاهری، محمدعلی، ۱۳۸۴، ج ۱، دانشنامه حقوق خصوصی، تهران: محراب فکر.
- مصطفوی، حسن، ۱۴۰۲ ه.ق، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۸، تهران: مرکز کتاب لترجمه و النشر.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود، ۱۴۲۶ ه.ق، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع)، ج ۱، قم: موسسه دائره المعارف فقه اسلامی.
- توکلی نیا، امید، ۱۳۹۶، تحلیل فقهی حدیثی اعراض از حق مالکیت، فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال پنجاهم، شماره ۱.
- الانی، زهرا، راغبی، محمدعلی، ۱۳۹۹، بررسی تحلیلی ماهیت اسقاط حق و آثار مترتب بر آن، پژوهش های فقهی، دوره شانزدهم، شماره ۳.
- جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی، سید محمود هاشمی، ۱۴۲۶، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت، ج ۱، چاپ اول، قم: موسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع).
- محقق داماد، سید مصطفی، ۱۴۰۶ ه.ق، قواعد فقه، ج ۳، چاپ دوازدهم، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- اصفهانی، محمد حسین کمپانی، ۱۴۱۸، رساله فی تحقیق الحق و الحکم، چاپ اول، قم: انوار الهدی.
- انصاری، مرتضی بن محمدامین، ۱۴۱۰ ه.ق، کتاب المکاسب، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
- شهیدی، مهدی، ۱۳۸۷، آثار قراردادها و تعهدات، تهران: مجد.
- رضوی، سید علی، رضوی، سید محمد، ۱۳۹۸، بررسی کیفیت انتقال حق در نتیجه انتقال عین در فقه اسلامی و حقوق ایران، دوفصلنامه علمی پژوهشی فقه مقارن، سال هفتم، شماره ۱۳.
- ابطحی، فاطمه، قبولی درافشان، سید محمد مهدی، محسنی، سعید، ۱۳۹۲، حق تعقیب پدیدآورنده اثر هنری (مطالعه تطبیقی در حقوق اتحادیه اروپا، فرانسه و انگلستان)، مجله مطالعات حقوق تطبیقی، دوره چهارم، شماره ۱.
- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۷۴، حقوق مدنی نظریه عمومی تعهدات، چاپ اول، تهران: نشر یلدا.
- طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن، ۱۳۸۷ ه.ق، المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۳، چاپ سوم، تهران: المكتبة المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه.
- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۷۴، نظریه عمومی تعهدات، چاپ اول، تهران: نشر یلدا.
- نعمت اللهی، اسماعیل، ۱۳۸۹، تحلیل فقهی حق عینی و حق دینی و مفاهیم مرتبط، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال دوم، شماره ۳.

